

آن گفته‌اند: ازاله نوعی رفاه‌طلبی است و با حالت احرام منافات دارد.

◀ حکم ازاله موی احرام‌گزار

۱. دیدگاه فقیهان امامی: همه فقیهان امامی^۴، ازاله مو از سراسر بدن احرام‌گزار از جمله سر، صورت، ابرو، زیر بغل و شرمگاه را جز در صورت ضرورت، حرام دانسته‌اند.^۵ در حرمت ازاله، فرقی میان انواع آن چون تراشیدن، کندن و ازاله با مواد زایل‌کننده نیست.^۶ همچنین کم یا بسیار بودن مقدار مو اثری در این حکم ندارد.^۷ برای حکم حرمت، به قرآن، به ویژه آیه ۱۹۶ بقره/۲ استناد شده که به صراحت احرام‌گزاران را تا فرارسیدن هنگام قربانی در منا، از تراشیدن موی سر نهی کرده است.^۸ «وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ»^۹ پشتوانه دیگر، حدیث‌های گوناگونند که برخی از آن‌ها صحیح قلمداد شده‌اند؛^{۱۰} از جمله روایت حریز^{۱۱} که

۴. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۵-۳۴۶، ۳۵۱؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۲۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۸.
 ۵. المقنعه، ص ۴۳۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۷؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۳.
 ۶. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۶؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۲؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۷.
 ۷. المختصر النافع، ص ۸۵؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۴.
 ۸. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۷؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۹۸.
 ۹. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۲۱.
 ۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۸؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۶.

(فصلنامه)، تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ هدیه الزمن فی اخبار ملوک لبح و عدن: احمد فضل بن علی محسن العبدلی، بیروت، دار العوده، ۱۴۰۰ق.

One thousand Road to Meccah, Michel Wolf, Grore oress, New York, 1997.

کامران محمدحسینی



اریتره ← حبشه

ازار ← لباس احرام

ازاله مو: زدودن موی بدن، از محرمات احرام

ازاله از ریشه «ز - و - ل» و به معنای رفع کردن و زدودن، از میان بردن، و دور ساختن است.^۱ مقصود از ازاله مو در منابع فقهی، ستردن و از میان بردن مو با هر وسیله ممکن است. این موضوع به منزله یکی از محرمات احرام^۲، پیرو طرح آن در قرآن کریم (بقره/۲، ۱۹۶) و روایات^۳، در نخستین منابع فقهی مطرح شده^۴ و همواره فقیهان در مبحث محرمات احرام به بررسی احکام آن پرداخته‌اند. در فلسفه حرمت

۱. العین، ج ۷، ص ۳۸۴؛ الصحاح، ج ۴، ص ۱۷۱۹-۱۷۲۰؛ لسان العرب، ج ۶، ص ۱۱۵-۱۱۶، «زول».
 ۲. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۶۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۶۰.
 ۳. المقنعه، ص ۲۳۸-۲۳۹؛ المقنعه، ص ۴۳۲.

امام صادق علیه السلام حجامت احرام گزار را تنها تا هنگامی که به حلق یا قطع مو نینجامد، بی اشکال می داند. واژه «قطع» در روایات، همه انواع ازاله مو و نیز همه جای های بدن را در بر می گیرد.^۱ حدیث های^۲ دلالت گر بر وجوب كفارة برای ازاله مو، نیز بر پایه ملازمه، می توانند پشتوانه حرمت مزبور باشند.^۳ فقیهان با توجه به عمومیت دلیل، ازاله موی احرام گزار به دست دیگری را حتی اگر محرم نباشد، حرام می دانند.^۴ در جواز ازاله موی غیر محرم به دست احرام گزار اختلاف است.^۵ برخی از فقیهان متقدم^۶ و متأخر امامی^۷ به جواز آن قائل هستند؛ زیرا انجام دادن این کار برای خود آن شخص مانع شرعی ندارد و احرام گزار نیز می تواند این کار را برای او انجام دهد.^۸ در صورت شک در حکم این کار، به پشتوانه اصل براءة، ازاله کننده هیچ تکلیفی ندارد.^۹ دیدگاه دیگر در این باره،

حرمت ازاله است که برخی از فقیهان مقدم^{۱۰} و متأخر^{۱۱} و شماری از فقیهان هم روزگار^{۱۲} بدان باور دارند. از پشتوانه های این رأی، حدیثی صحیح از امام صادق علیه السلام^{۱۳} در نهی احرام گزار از تراشیدن موی غیر محرم است.

▼ ۲. دیدگاه فقیهان مذاهب دیگر: به باور همه فقیهان مذاهب اهل سنت^{۱۴} نیز ازاله موی احرام گزار حرام است^{۱۵}؛ خواه خودش ازاله کند و خواه دیگری.^{۱۶} مهم ترین پشتوانه آن ها آیه ۱۹۶ بقره ۲ است.^{۱۷} به باور آنان، تفاوتی میان تراشیدن یا کوتاه کردن و نکردن و غیر آن نیست و هر ازاله ای حرام به شمار می رود.^{۱۸}

فقیهان مذاهب اهل سنت نیز درباره جواز ازاله موی غیر محرم به دست احرام گزار اختلاف نظر دارند. ابوحنیفه به حرمت قائل است و ممنوعیت یاد شده در آن آیه را در این صورت نیز جاری می داند؛ زیرا به طور عادی،

۱۰. التهذیب، ج ۵، ص ۳۴۰؛ الجامع للشرائع، ص ۱۸۴.

۱۱. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۵۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۸۱.

۱۲. المعتمد، ج ۴، ص ۲۰۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۵؛ مناسک الحج، وحید خراسانی، ص ۱۰۶.

۱۳. التهذیب، ج ۵، ص ۳۴۰.

۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۹؛ الشرح الکبیر، ابن قدامة، ج ۳، ص ۲۶۲؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۳۹.

۱۵. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۲؛ فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۶۲.

۱۶. حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۵۲۸.

۱۷. الموطأ، ج ۱، ص ۴۱۷؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۳۲.

۱۸. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۴-۴۶۵؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۲؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۹۷، ۵۲۰.

۱. المعتمد، ج ۴، ص ۱۹۸.

۲. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۶۱؛ ح ۸؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳۳۹، ۳۶۹.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۸؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۹۹.

۴. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵۲.

۵. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۵۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۷.

۶. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۳؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۴.

۷. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۶۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۷.

۸. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵۱.

۹. الخلاف، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۱۲؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵۱.

خاصی مانند چشم باشد و خواه از جهت آن که دفع ضرر یا درمان بیماری وابسته به آن است.^۹ پشوانه فقیهان بر جواز ازاله در چنین صورتی، افزون بر قواعد لا ضرر و نفسی حرج^{۱۰}، آیه ۱۹۶ بقره/۲ است که تراشیدن موی سر در صورت بیماری یا وجود ناراحتی در سر را تنها مشمول کفاره می سازد:^{۱۱} «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ».

فقیهان مذاهب اهل سنت نیز ازاله مو در صورت آزار دیدن و زیان احرام گزار را جایز می دانند.^{۱۲} به باور بیشتر فقیهان امامی^{۱۳} و حنبلیان^{۱۴} اگر اضطراب به ازاله مو به سبب وجود خود مو باشد، مانند موی رویده در چشم و ابروی بلند، ازاله کفاره ندارد و در غیر این صورت، مشمول وجوب کفاره است. به تصریح حنفیان^{۱۵} و شافعیان^{۱۶} نیز ازاله مویی که در چشم رویده، کفاره ندارد. در برابر،

انسان خودش موی سر خویش را نمی تراشد، بلکه این کار را به دیگری می سپارد. پس نهی آیه در واقع به ممنوعیت ازاله موی دیگران باز می گردد.^۱ این نظر به مالک بن انس نیز منسوب است؛^۲ هر چند اعتقاد به جواز هم به او نسبت یافته است.^۳ شافعیان، حنبلیان^۴ و برخی از فقیهان متقدم مانند مجاهد، عطاء، اسحاق و ابو ثور این نظر را پذیرفته اند.^۵ مهم ترین پشوانه آن ها این است که احرام گزار مویی را ازاله کرده که حرمتی ندارد و ممنوعیت تنها برای موی خود احرام گزار است.^۶

◀ موارد جواز ازاله مو: در فقه اسلامی،

در پاره ای موارد، ازاله موی احرام گزار جایز به شمار رفته است:

▼ ۱. زیانبار بودن مو: به اتفاق فقیهان

امامی^۷ در مواردی که وجود مو باعث زیان دیدن و آزار احرام گزار گردد، ازاله آن جایز است؛^۸ خواه ضرر ناشی از رویش مو در محل

۹. كشف اللثام، ج ۵، ص ۳۶۱؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۰۰.

۱۰. تهذیب، ج ۵، ص ۳۳۳-۳۳۴.

۱۱. جامع المدارك، ج ۲، ص ۴۰۸؛ تعالیق مبسوطه، ج ۱۰، ص ۲۳۳.

۱۲. الموطأ، ج ۱، ص ۴۱۷-۴۱۸؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۹۷؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۸۹۷.

۱۳. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۹؛

الدروس، ج ۱، ص ۳۸۲.

۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۷.

۱۵. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۴-۷۵؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۲.

۱۶. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۷۵.

۱. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۳؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۲؛

الشرح الكبير، ابن قدامة، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۸.

۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۹.

۴. الام، ج ۲، ص ۲۰۶؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۲۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۴۵-۳۴۶.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۵۲۴.

۶. المغنی، ج ۳، ص ۵۲۴؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۹.

۷. مدارك الاحكام، ج ۷، ص ۳۵۱؛ الحقائق، ج ۱۵، ص ۵۱۲؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۷.

۸. تحرير الاحكام، ج ۲، ص ۶۶؛ مسالك الافهام، ج ۲، ص ۲۶۲؛

تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۴۲۵.

برخی از فقیهان امامی این فرض را نیز مشمول آیه ۱۹۶ بقره ۲ دانسته و به وجوب کفاره در این فرض حکم داده‌اند.^۱

۲. هنگام وضو و غسل: از دیدگاه فقیهان شیعه^۲ و برخی از اهل سنت^۳ کنده شدن غیر عمدی موی احرام گزار به هنگام وضو و غسل اشکال ندارد، هر چند وضو یا غسل مستحب باشد.^۴ پشتوانه این حکم، حدیثی از امام صادق (علیه السلام) و قاعده نفی حَرَج^۵ است. به باور بیشتر فقیهان، جدا شدن مو در این صورت نیز کفاره ندارد.^۶

◀ کفاره ازاله مو: فقیهان همه مذاهب اسلامی^۸ بر اصل وجوب کفاره برای ازاله در حالت احرام اتفاق نظر دارند، هر چند در جزئیات آن اختلاف نظر دیده می‌شود:

۱. دیدگاه فقیهان امامی: از دید مشهور فقیهان امامی^۹، به پشتوانه آیه ۱۹۶

بقره ۲ و روایات^{۱۰}، کفاره ازاله موی سر در صورت اضطرار، سه روز روزه گرفتن یا اطعام شش مسکین - دو مد طعام برای هر مسکین - یا قربانی کردن یک گوسفند، به گونه واجب تخییری، است. البته شماری^{۱۱} دادن یک مد طعام را نیز کافی دانسته‌اند. این دیدگاه بر حدیثی مرسل تکیه دارد و از این رو، مردود دانسته شده است.^{۱۲} برخی نیز به پشتوانه روایت عمر بن یزید^{۱۳} به جای اطعام شش مسکین، اطعام ۱۰ مسکین و برای هر تن یک مد طعام را واجب شمرده‌اند. ولی در اعتبار سند و دلالت این روایت مناقشه شده است.^{۱۴}

بر پایه نظری کمیاب، سلّار دیلمی بر آن است که کفاره ازاله اضطراری موی سر، فقط قربانی کردن یک گوسفند است.^{۱۵} باید دانست ازاله چند تار مو که عنوان «حلق الرأس» یا تراشیدن سر بر آن صدق نمی‌کند، کفاره ندارد. برخی نیز کفاره آن را صدقه دادن به فقیر دانسته‌اند.^{۱۶} برخی از فقیهان امامی با توجه به وجوب کفاره در حال اضطرار، وجوب همان کفاره در غیر اضطرار را با

۱. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۸۱.
 ۲. النهایه، ص ۲۳۳-۲۳۴: السرائر، ج ۱، ص ۵۵۴: مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۷۱: تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۵.
 ۳. الشرح الکبیر، ابوالبرکات، ج ۲، ص ۶۰.
 ۴. الدروس، ج ۱، ص ۳۸۲: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۸۶.
 ۵. التهذیب، ج ۵، ص ۳۳۹.
 ۶. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۷۱: المعتمد، ج ۴، ص ۲۰۰: تعالیق مبسوطه، ج ۱۰، ص ۲۴۲.
 ۷. نک: المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۴: شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۷: کشف اللثام، ج ۱، ص ۴۷۳.
 ۸. نک: المعنی، ج ۳، ص ۵۲۰: تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۴.
 ۹. المقنع، ص ۲۳۸-۲۳۹: کشف اللثام، ج ۶، ص ۴۷۰: جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۰۸.

۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۸: التهذیب، ج ۵، ص ۳۳۳، ۳۶۹.
 ۱۱. المقنعه، ص ۴۳۴: النهایه، ص ۲۳۳: السرائر، ج ۱، ص ۵۳۰.
 ۱۲. نک: کشف اللثام، ج ۶، ص ۴۷۰.
 ۱۳. التهذیب، ج ۵، ص ۳۳۴.
 ۱۴. نک: مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۳۹.
 ۱۵. المراسم العلویه، ص ۱۲۰.
 ۱۶. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۳: المعتمد، ج ۴، ص ۲۰۸.

طور خاص در حدیث‌هایی مطرح شده و پشوانه فقیهان قرار گرفته است. مثلاً ازاله موی زیر یکی از دو بغل، کفاره اطعام سه مسکین را در پی دارد.^۸ همچنین به باور برخی از فقیهان ازاله موی زیر هر دو بغل و نیز موی شرمگاه و سیل، قربانی کردن یک گوسفند را واجب می‌سازد.^۹ کفاره دست کشیدن بر سر و روی خود در غیر وضو و غسل که به جدا شدن مو بینجامد، دادن یک یا دو کف دست طعام به مسکین است.^{۱۰} ازاله موی احرام‌گزار به دست دیگری، حتی اگر محرم باشد، صرف نظر از جواز یا حرمت این کار، کفاره‌ای در پی ندارد، مگر آن که ازاله به دستور احرام‌گزار یا با اجازه وی صورت گیرد که در این صورت، پرداخت کفاره بر او واجب می‌شود. در صورتی که ازاله مو به سبب فراموشی یا جهل احرام‌گزار صورت گیرد، به پشوانه ادله عام مانند حدیث رفع و نیز ادله خاص، کفاره واجب نمی‌گردد.^{۱۱}

۲. دیدگاه فقیهان اهل سنت: فقیهان دیگر مذاهب اسلامی نیز ازاله مو به دست

۸. الکافی، حلبی، ص ۲۰۴؛ غنیة النزوع، ص ۱۶۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۰۹-۴۱۰.
۹. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۰؛ المختصر النافع، ص ۱۰۸؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۷؛ قس: مناسک الحج، وحید خراسانی، ص ۱۰۷.
۱۰. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۳؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۰۸.
۱۱. تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۱۵؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۳.

اولویت بیشتر ثابت می‌دانند^۱ و در کفاره تخییری، میان دو حالت اضطرار و اختیار تفاوت نمی‌نهند.^۲ ولی بیشتر فقیهان امامی به پشوانه ادله عام کفارات و حدیث‌های خاص، کفاره ازاله عمدی مو در غیر اضطرار را قربانی کردن یک گوسفند دانسته‌اند.^۳ البته شماری از آنان از باب احتیاط به این حکم باور دارند.^۴ گفتنی است در دیدگاه برخی از فقیهان، این کفاره تخییری به موی سر اختصاص ندارد و ازاله دیگر موهای بدن، جز موارد خاص یاد شده در روایات، نیز همین حکم را دارد؛^۵ زیرا تعبیر روایات یعنی «الشَّعْر» عام است و شامل همه موهای بدن می‌شود. افزون بر این، حکمت این گونه احکام، پرهیز از تن‌آسایی و آسایش‌طلبی در حال احرام است که به موی سر اختصاص ندارد.^۶ برخی این تعمیم را نپذیرفته، کفاره ازاله دیگر موهای بدن را جز در موارد خاص، به پشوانه روایت‌هایی، صدقه دادن به مسکین دانسته‌اند.^۷

کفاره ازاله مو از برخی جای‌های بدن، به

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۶؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۳۸.
۲. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۲۶۹؛ المختصر النافع، ص ۱۰۸.
۳. نزهة الناظر، ص ۶۷؛ الحقائق، ج ۱۵، ص ۵۱۲، ۵۱۴؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۰۳.
۴. جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۰۸؛ تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۴۲۵.
۵. کشف اللام، ج ۶، ص ۴۶۹؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۰۶.
۶. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۳، ۸۱۵؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۶.
۷. نک: المعتمد، ج ۴، ص ۲۰۸، ۲۱۱.

احرام گزار را مشمول کفاره دانسته‌اند. حنفیان^۱، مالکیان^۲ و ظاهریان^۳ به پشتوانه آیه ۱۹۶ بقره/۲ در صورت ازاله مو به سبب عذر و اضطرار، احرام گزار را میان قربانی کردن یک گوسفند، اطعام شش مسکین و سه روز روزه گرفتن مخیر دانسته‌اند. کفاره ازاله مو از دیدگاه شافعیان نیز یکی از این سه گزینه است، خواه در حالت اضطرار صورت گیرد یا اختیار.^۴ ولی حنفیان بر آنند که با ازاله عمدی موی زیاد، قربانی گوسفند و با ازاله عمدی موی کم، پرداخت صدقه واجب می‌شود. اما درباره تعیین مقصود از موی کم و زیاد، اختلاف نظر دارند.^۵ ابوحنیفه با تراشیدن یک چهارم و ابویوسف با تراشیدن بیش از نصف موی سر، قربانی را واجب دانسته است.^۶ به باور ابوحنیفه، اگر ازاله کمتر از یک چهارم باشد، کفاره واجب نیست. البته برخی از وی نقل کرده‌اند که در این فرض، صدقه دادن یک صاع طعام یا نصف صاع گندم واجب است.^۷

بر پایه فقه حنفی، در احکام کفاره تفاوتی

میان انواع ازاله مو مانند کندن و بریدن وجود ندارد^۸، گر چه در وجوب قربانی شرط است که تراشیدن موی آن محل برای نظافت و آسایش و به میزان مورد توجه باشد؛ مانند موی سر، زیر بغل، ریش و سیل و محل حجامت.^۹ اما اگر ازاله مو چندان مورد توجه نباشد، مانند موی سینه و ساق، تنها صدقه واجب می‌شود.^{۱۰} بر پایه سخن منسوب به ابوحنیفه، ازاله سیل و موی محل حجامت، تنها پرداخت صدقه را واجب می‌کند.^{۱۱} شافعی با ازاله سه تار مو، کفاره را واجب دانسته^{۱۲} و بر پایه گزارشی، کفاره ازاله یک مو را یک سوم قربانی و کفاره ازاله دو مو را دو سوم قربانی قلمداد کرده است.^{۱۳} بیشتر فقیهان شافعی ازاله یک یا دو تار مو را نیز مشمول کفاره می‌دانند.^{۱۴} بر پایه فقه شافعی، ازاله موی بدن مانند ازاله موی سر کفاره دارد^{۱۵}؛ زیرا این کار با هدف آسایش طلبی و رفاه صورت می‌گیرد.^{۱۶}

۸. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۳.

۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۳-۷۴.

۱۰. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۳.

۱۱. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۳.

۱۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۶؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۷۴.

۱۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۷.

۱۴. المجموع، ج ۷، ص ۳۷۴.

۱۵. المجموع، ج ۷، ص ۳۷۴.

۱۶. المجموع، ج ۷، ص ۳۷۵؛ فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۶۳؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۲.

۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۴-۷۵؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. الموطأ، ج ۱، ص ۴۱۸؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۲۵.

۳. المحلی، ج ۷، ص ۲۰۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۴۸.

۴. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۶۷.

۵. نک: بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۲.

۶. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۷۴.

۷. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷۳؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۶؛

المجموع، ج ۷، ص ۳۷۴.

به باور مالکیان، کفاره ازاله عمدی یک یا چند تار مو، دادن اندکی طعام است. البته اگر ازاله مو آزاری را از احرام گزار دور سازد، فدیة تخیری سه گانه بر وی واجب خواهد شد.^۱

به باور آنان، ازاله موی سر از روی جهل، پیش از فرارسیدن هنگام حلق* (تراشیدن موی سر برای بیرون شدن از احرام) کفاره دارد.^۲ برخی به مالک نسبت داده‌اند که تنها در صورت تراشیدن همه موی سر یا صورت، کفاره واجب است.^۳ ولی او در مواردی چون تراشیدن موی محل حجامت، فدیة را واجب شمرده^۴ و در صورت کوتاه کردن موی شارب نیز به دادن اندکی طعام حکم داده است.^۵

احمد بن حنبل بر پایه سخنی همانند شافعی، ازاله بیش از دو تار مو و بر پایه سخنی دیگر، ازاله بیش از سه تار مو را مشمول فدیة دانسته^۶ و در کمتر از آن به دادن یک مشت^۷ یا یک مد طعام^۸ حکم کرده است. ظاهریان حلق

عمدی موی سر را موجب بطلان حج دانسته‌اند.^۹

❖ برخی از احکام جزئی ازاله مو

۱. ❖ **خاراندن بدن و سر:** فقیهان امامی در جواز دست کشیدن و خاراندن بدن و سر در حال احرام، اختلاف نظر دارند. برخی از فقیهان برای اجتناب از جدا شدن مو، از این کار نهی کرده‌اند یا به لزوم احتیاط در این باره باور دارند.^{۱۰} برخی آن را مکروه شمرده‌اند.^{۱۱} بعضی از فقیهان هم‌روزگار ما این کار را اگر به جدا شدن مو از بدن نینجامد، جایز شمرده‌اند.^{۱۲} بیشتر فقیهان اهل سنت خاراندن بدن را بر محرم جایز می‌دانند، مگر آن که به جدا شدن مو از بدن بینجامد.^{۱۳}

۲. ❖ **قطع عضو دارای مو:** به باور برخی از فقیهان، همچون علامه حلی، اگر احرام گزار عضوی از بدن را که مو دارد، قطع کند، کارش از جهت ازاله مو حرمت ندارد و مشمول کفاره نیست؛ زیرا ازاله یا حلق بر آن صدق نمی‌کند و مقصود وی از قطع عضو،

۹. المحلی، ج ۷، ص ۲۰۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۴۸.
۱۰. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ الجامع للشرائع، ص ۱۸۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵۹.
۱۱. المختصر النافع، ص ۱۰۸؛ الدرر، ج ۱، ص ۳۸۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۳۷.
۱۲. مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۳۰-۱۳۱؛ مناسک الحج، وحید خراسانی، ص ۱۰۷؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۱۱.
۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۲۴۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۲؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۸۷.

۱. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۳۰؛ الموطأ، ج ۱، ص ۴۱۸، قس: بداية المجتهد، ج ۱، ص ۲۹۴.
۲. الموطأ، ج ۱، ص ۴۱۸.
۳. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۲.
۴. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۸.
۵. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۳۰.
۶. فتح العزيز، ج ۷، ص ۴۶۶.
۷. المجموع، ج ۷، ص ۳۷۴.
۸. المغنی، ج ۳، ص ۵۲۵.

کندن مو نبوده است.^۱

شهید اول در جواز کندن پوستی که بر آن مو باشد، تردید کرده است.^۲ اما بسیاری از فقیهان پس از او،^۳ این تردید را نپذیرفته و کندن پوست را مصداق تراشیدن یا ازاله مو ندانسته‌اند.^۴ بر پایه فقه اهل سنت نیز قطع کردن عضو دارای مو مصداق ازاله مو نیست و کفاره ندارد.^۵

◀ منابع

الام: الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق؛ **البداية و النهاية**: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، مکتبة المعارف؛ **بدائع الصنائع**: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المکتبة الحبییه، ۱۴۰۹ق؛ **بداية المجتهد**: ابن رشد القرطبی (م. ۵۹۵ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **تحریر الاحکام الشرعیه**: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق.)، مشهد، آل البيت (ع)، چاپ سنگی؛ **تحریر الوسيلة**: امام خمینی (رحمه الله)، (م. ۱۳۶۸ش)، نجف، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۰ق؛ **تذکرة الفقهاء**: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ **تعالیق مبسوطه**: محمد اسحاق الفیاض، انتشارات محلاتی، طبع امیر؛ **تهذیب الاحکام**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ **جامع**

المدارک: سید احمد الخوانساری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش غفاری، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۴۰۵ق؛ **جامع المقاصد**: الکرکی (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ق؛ **الجامع للشرائع**: یحیی بن سعید الحلّی (م. ۹۰۰ق.)، به کوشش گروهی از فضلا، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۵ق؛ **جواهر الکلام**: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **الحدائق الناضرة**: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش؛ **الخلافا**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش سید علی خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق؛ **الدروس الشرعیه**: الشهید الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ **ریاض المسائل**: سید علی الطباطبائی (م. ۱۲۳۱ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ **السرائر**: ابن ادریس (م. ۹۸۰ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ **شرائع الاسلام**: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ **الشرح الكبير**: ابوالبرکات (م. ۱۲۰۱ق.)، دار احیاء الکتب العربیه؛ **الشرح الكبير**: عبدالرحمن بن قدامه (م. ۸۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **الصالح**: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ **العین**: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **الغدير**: الامینی (م. ۱۳۹۰ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ش؛ **غنية النزوع**: الحلّی (م. ۵۸۵ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ق؛ **فتح العزيز**: عبدالکریم بن محمد الرافعی (م. ۶۲۳ق.)، دار الفکر؛ **فتح الوهاب**: زکریا بن محمد الانصاری (م. ۹۳۶ق.)، به کوشش دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **الفقه الاسلامی و ادلته**: وهبة الزحیلی، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۸ق؛ **الفقه على المذاهب**

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۷؛ ج ۸، ص ۲۰.

۲. الدروس، ج ۱، ص ۳۸۳.

۳. مسالك الافهام، ج ۲، ص ۲۶۱؛ كشف اللثام، ج ۵، ص ۳۶۲.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۸۱؛ کتاب الحج، ج ۲، ص ۱۹۱.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۵۲۴؛ فتح العزيز، ج ۷، ص ۴۶۵.

۱۴۱۵ق؛ المعتمد فی شرح المناسک: محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ق)، الخلیالی، قم، مدرسة دار العلم، ۴۱۰ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ع)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ المقنع: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، قم، مؤسسه الامام الهادی علیه السلام، ۴۱۵ق؛ المقنع: المفید (م. ۴۱۳ق)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۴۰۴ق؛ مناسک الحج: السید السیستانی، قم، چاپخانه شهید، ۴۱۳ق؛ مناسک الحج: الوحید الخراسانی؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۶ق؛ الموطأ: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۴۰۶ق؛ نزهة الناظر: یحیی بن سعید حلی (م. ۶۸۹ق)، به کوشش حسینی و واعظی، نجف، مطبعة الآداب، ۳۸۶ق؛ النهایه: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش آقا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق.

ابوالقاسم مقیمی حاجی



ازبکستان: کشوری مسلمان در آسیای

میان، دارای نقش مهم در تاریخ حج

هر ساله حدود ۵۰۰۰ تن از مسلمانان ازبکستان حج می گزارند. تاریخ حج مردم ازبک بخشی از تاریخ حج گزاران مردم مناطق

الاربعة و مذهب اهل البيت: عبدالرحمن الجزیری، محمد غروی و مازج یاسر، بیروت، الثقلین، ۱۴۱۹ق؛ قواعد الاحکام: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق؛ الکافی فی الفقه: ابوالصلاح الحلبي (م. ۴۴۷ق)، به کوشش استادی، اصفهان، مکتبه امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کتاب الحج: تقرير بحث الکلیایگانی، الصابری، قم، الخیام، ۱۴۰۰ق؛ کشف القناع: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ق)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ کشف اللثام: الفاضل الهمدی (م. ۱۱۳۷ق)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ المبسوط فی فقه الامامیه: الطوسی (م. ۴۶۰ق)، به کوشش بهودی، تهران، المکتبه المرتضویه؛ المبسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووي (م. ۶۷۶ق)، دار الفكر؛ المحلی بالآثار: ابن حزم الاندلسی (م. ۴۵۶ق)، به کوشش احمد شاکر، بیروت، دار الفكر؛ المختصر النافع: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق)، تهران، البعثه، ۱۴۱۰ق؛ مختلف الشیعه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ مدارک الاحکام: سید محمد بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ق)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۰ق؛ المدونة الكبرى: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق)، مصر، مطبعة السعادة؛ المراسم العلویه: سلا حمة بن عبدالعزيز (م. ۴۴۸ق)، به کوشش حسینی، قم، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ مستند الشیعه: احمد النراقی (م. ۱۲۴۵ق)، قم، آل البيت علیهم السلام،